

اعترافات زنی که شوهرش را به چنگ قاتل سیاه پوش انداخت

دسیسه شیطانی!

می‌کرد من به هر طریقی از او دوری می‌کردم تا این که کار به جایی رسید که «مجید» مرا تهدید می‌کرد اما من همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم طلاق بگیرم. بالاخره او برای

از دواج با من نقشه

قتل شوهرم را کشید ولی من نمی‌دانستم او به چه طریقی می‌خواهد همسرم را از میان بر دارد.

او با همسر (رضا)

معاشرت داشت و به خانه مارت و آمد می‌کرد اما من تا آن زمان در برابر خواسته هایش مقاومت کردم تا این که از من خواست رضا را به

منطقه بولوار شهید رستمی بکشانم!

همسر مدتی بود که به دلیل بیماری کرونا دارو مصرف می‌کرد و از چند روز قبل در سپیده دم به پیاده روی می‌رفتم. وقتی به ناچار نقشه شوم مجید را پذیرفتم! خیلی نگران بودم آن شب شوهرم تا سپیده دم خوابش نمی‌برد ناراحت بود به او پیشنهاد دادم قرص خواب آور بخور د! او هم ۲ عدد قرص خواب آور خورد تا این که برای پیاده روی آماده شدیم اما من نمی‌توانستم گوشی تلفن را به دستم بگیرم به همین دلیل «هندز فری» رادر گوشم گذاشتم تا از این طریق با «مجید» در ارتباط باشم! او هم به محل قرار رفته بودو انتظار ما را می‌کشید.

هنگامی که به منظور پیاده روی از خانه خارج شدیم تماس‌های من و «مجید» هم برقرار شد و او صدای مرا می‌شنید که با شوهرم صحبت می‌کردم.

در بین راه متوجه شدم رضا به خاطر قرص‌هایی که مصرف کرده است حال

مناسبی ندار دیک لحظه وقتی در چشمانش نگاه کردم از کارم پشیمان شدم و از شدت استرس و نگرانی می‌لرزیدم در این هنگام به همسرم گفتم حالت خوب نیست! بیا به



متهمان در حال تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی زرقانی

خانه باز گردیم! ولی «مجید» که این جمله را شنید از آن سوی خط خطاب به من گفت: «خفه شو!» من هم که می‌ترسیدم دیگر حرفی ن‌زدم. چند لحظه بعد همسرم ابتداری جدول سیمانی کنار خیابان نشست و سپس در همان حالت دراز کشید. دستش را گرفته و چند بار صدایش زدم ولی او انگار صدایم را نمی‌شنید. در همین حال «مجید» از راه رسید موتورسیکلت را روی چک گذاشت و بالای سر شوهرم آمد. او با چاقویی که در دست داشت چند ضربه به شکم و سینه او زد و بعد هم با خونسردی سوار موتورسیکلت شد و از محل گریخت.

آن جابود که من فریاد زان از مردم و رهگذران کمک خواستم ولی اورژانس زمانی پیکر همسرم را به بیمارستان صاحب الزمان (عج) رساند که او دیگر جان خود را از دست داده بود! من هم برای ترس از مجازات نقشه متلک گویی را کشیدم و ادعا کردم که موتور سوار سیاه پوش (قاتل) ابتدا با متلک گویی برای من ایجاد مزاحمت و بعد شوهرم

دخالت کرد و آن موتور سوار نقابدار همسرم را با ضربات چاقو کشت!

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه قتل، مجید جوان ۲۹ ساله نیز مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در تشریح این جنایت شیطانی وحشتناک گفت: حدود یک سال ونیم قبل با رضا (مقتول) در یکی از رستوران‌های سنتی طبقه آشنا شدم و با هم به گفت‌وگو پرداختیم. من از شهرستان آمد به بوم و جاو

مکان و شغل درستی نداشتم آن شب رضا مرا برای صرف شام به خانه اش دعوت کرد و این گونه معاشرت من با خانواده او شکل گرفت ولی در این میان من که با همسر رابطه خوبی نداشتم احساس کردم به همسر رضا علاقه‌مند شده‌ام به همین دلیل از او خواستم تا از شوهرش طلاق بگیرد و با من از دواج

سابقه خبر

به گزارش خراسان، سپیده دم بیستم خرداد، امدادگران اورژانس، پیکر خون آلود مرد ۴۰ ساله‌ای را به مرکز درمانی رساندند که همسر وی مدعی بود موتور سوار سیاه پوش پس از ایجاد مزاحمت و متلک گویی به وی با همسرش درگیر شده و او را با ضربات چاقو به قتل رسانده است اما قاضی ویژه قتل هم اعتراف گشود که گروهی از کارآگاهان «مجید» (متهم به قتل) را قبل از عزیمت به مجلس ختم مقتول دستگیر کرده بودند.

شلیک به همسر سابق با سلاح شکاری

وی یادآور شد: مصدوم این حادثه در بیمارستان

جبرفت بستری است. فرمانده انتظامی جبرفت گفت: همدست فرد شلیک کننده دستگیر شده و ضارب نیز تحت تعقیب است.

سرهنگ رضامحمد رضایی افزود: حدود ساعت ۱۰ صبح هفتم تیرماه به دنبال اختلاف خانوادگی یک زوج، حادثه تیراندازی به یک زن

در مجاورت شورای حل اختلاف اتفاقی افتادو در این حادثه، ضارب پس از ورود همسرش به داخل محوطه شورای حل اختلاف با شلیک اسلحه ساجمه‌ای او را زخمی کرد.

وی با بیان این که ضارب و همدستش بلافاصله از محل حادثه گریختند، ادامه داد: مصدوم این حادثه بلافاصله توسط مرکز فوریت‌های پزشکی

کند وقتی فهمیدم او نمی‌تواند از فرزندان و همسرش جدا شود نقشه قتل رضا را کشیدم و ماچرا را برای همسر رضا بازگو کردم! شب حادثه به منزل یکی از دوستانم رفتم و موتورسیکلت او را به امانت گرفتم. سپس لباس‌های سیاه پوشیدم و با شال مشکی هم چهره‌ام را پوشاندم تا شناسایی نشوم! صبح زود از طریق تلفن با هم در ارتباط بودیم تا این که وقتی دیدم رضا کنار جدول دراز کشید به سراغش رفتم و ضربات چاقورابر پیکرش فرود آوردم بعد از آن موتورسیکلت دوستم را پس دادم و سپس به تهران گریختم. وقتی فهمیدم کسی موتور سوار قاتل را نشناخته است به مشهد بازگشتم و با بستگان رضاتماس گرفتم به آن‌ها گفتم من در کیش بودم که متوجه ماچرای قتل شدم و اکنون برای عرض تسلیت آمده‌ام اما ما نمی‌که قصد داشتم دسته گل بخرم و در مجلس ختم شرکت کنم توسط کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدم و ...

بنابر این گزارش، پس از اعترافات صریح متهمان در باره چگونگی وقوع این جنایت هولناک، قاضی دکتر حسن زرقانی دستور پایان بازسازی صحنه قتل را صادر کرد و بدین ترتیب متهمان روانه زندان شدند تا این پرونده جنایی دیگر مراحل دادرسی را طی کند.

در حالی صادر کرد که زن مذکور زیر پتر اطلاعاتی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت. چندروز بعد تحقیقات کارآگاهان به سرپستی سروان عظیمی مقدم (افسر پرونده) به نتیجه رسیدو زن جوان با دستور قاضی زرقانی بازداشت شد. او چند ساعت بعد در حالی لب به اعتراف گشود که گروهی از کارآگاهان «مجید» (متهم به قتل) را قبل از عزیمت به مجلس ختم مقتول دستگیر کرده بودند.

به بیمارستان امام خمینی (ره) جبرفت منتقل شد. این مسئول انتظامی تصریح کرد: پس از دریافت اطلاعات پلیسی، هویت شخص ضارب و همدستش که باجناقش بوده مشخص وتلاش برای دستگیری این افراد آغاز شد. همدست ضارب در همین مدت زمان دستگیر شد و تلاش برای دستگیری ضارب نیز همچنان ادامه دارد.

وی اظهار کرد: بر اساس بررسی‌های اولیه، اختلاف این زوج برای حضانت فرزند بوده است. وی به برخی مطالب منتشر شده در فضای مجازی در خصوص فوت خانمی که هدف شلیک گلوله قرار گرفته اشار و تاکید کرد: مصدوم این حادثه تحت درمان است.

قتل زن سالخورده به دست دختر پرستارش

سرقت اعتراف کرد و گفت مادرم نظافت چی منزل مقتوله بود که به علت شکستگی لگن قادر به حرکت نبود، من یک بار که به جای او برای نظافت رفتم متوجه شدم مقتول به تنهایی زندگی می‌کند.
جانشین پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: متهم در ادامه توضیحاتش اظهار کرده به همین دلیل تصمیم گرفتم طلاهای او را سرقت کنم که ۸ مهر سال ۹۸ با تصمیم به سرقت طلاهای مقتول راهی خانه او شدم.

به داخل خانه رفتم و در فرصتی مناسب مقتول را پشت‌هل دادم و او به زمین افتاد. می‌خواستم گردن طلاوارا از گردنش بازکنم که مقاومت کرد. با و درگیر شدم و در این هنگام مقتول شروع به سرو صدا کرد، برای این که کسی صدایش را نشنود دستم را روی دهانش گذاشتم که متوجه شدم بی‌حال شده است. طلاهای او را سرقت کردم و اموال مسروقه را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان فروختم. وی خاطر نشان کرد: با اعتراف زن جوان به جرم خود، متهم با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار گرفت.

حالی بود که دختر شکت نیز برای نظافت گاهی اوقات با مادرش به خانه زن سالخورده می‌رفت. گرافی اظهار کرد: کارآگاهان با فرضیه این که اکرم (دختر پرستار) در این ماجرا دست دارد، با هماهنگی بازپرس پرونده او را بازداشت کردند، اما در تحقیقات قتل را انکار کرد. وی گفت: کارآگاهان با ادامه تحقیقات پلیسی، در نهایت اکرم ۴۴ ساله را در برابر مدارک و ادله پلیسی قرار دادند که در اوایل تیرماه اسال به قتل و

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

ماچرای دزدان هم‌بندی!

در زندان تصمیم گرفته بودیم نوع و شیوه سرقت‌های مان را تغییر دهیم چرا که دیگر سرقت‌های خرد پاسخ‌گوی نیازمان نبود. بعد از آزادی دو خواهر را صیغه کردیم و با یک جوان ایدزی همخانه شدیم ...

این‌ها بخشی از اظهارات سارق ۴۰ ساله‌ای است که در عملیات ضربتی کارآگاهان ورزیده اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی به همراه اعضای دیگر باند سرقت و کلاهبرداری دستگیر شد. این سارق سابقه دار و حرفه‌ای که به صدها فقره سرقت از منازل با همدستی دیگر دوستانش اعتراف کرده است، پس از آن که به سولات تخصصی سرگرد همتی (افسر پرونده) درباره چگونگی دستبرد به منازل مردم پاسخ داد، به تشریح قصه زندگی اش پرداخت و گفت: پدرم در یک مرکز روان درمانی کار می‌کرد اما اکنون خودش به دلیل ابتلا به بیماری‌های روانی بستری شده است و من از چند سال قبل با مادرم زندگی می‌کنم. با وجود این همواره از این که نمی‌توانستم پول کافی برای هزینه‌های زندگی‌ام تأمین کنم زجر می‌کشیدم اما به خاطر غروری که داشتم با خلاقکاران دم‌خور بودم تا این که در کنار آن‌ها معناد شدم. آن زمان پسر خاله‌ام یک دستگاه پراید داشت و ادعا می‌کرد با شاه کلیدی که دارد می‌تواند در هر نوع خودروی پرایدی را باز کند. با این بهانه چگونگی باز کردن در خودروها را از او آموختم و به سرقت خودرو روی آوردم. از آن روز به بعد خودروهای پراید را می‌رو بدم و با دستبرد به اموال قابل فروش مانند باند و ضبط و باتری و زاپاس، خودروها را در خیابان‌های خلوت رها می‌کردم ولی طولی نکشید که دستینه‌های پلیس بر دستام گره خور دو راهی زندان شدم. آن جابود که با «مهیاری» آشنا شدم. البته مهیار نام مستعار او بود که به جرم سرقت از منازل در زندان به سر می‌برد. او چنان از پول‌های باد آورده در سرقت از منازل سخن می‌گفت که شیفته‌گفت‌وگو و معاشرت با مهیار شدم. او که با هیجان و شور خاصی از ماجرای سرقت هایش تعریف می‌کرد، افکار مرا نیز به سوی دستبرد به منازل سوق داد. این در حالی بود که من هیچ گاه از اونپرسیدم با این همه سرقت چراحتی یک پراید مدل پایین هم‌نداری و در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کنی!؟

خلاصه با این تفکر که راه پول در آوردن فقط سرقت از منازل است، هر دوفر از زندان آزاد شدیم و تصمیم به سرقت گرفتیم. ابتدا با اجاره یک منزل در منطقه خواجه ربیع مشهد، دو خواهر مطلقه را نیز به عقد موقت خودمان در آوردیم و برای آن که دیگران به منزل لمان رفت و آمد نکنند، با یک جوان مبتلا به ایدز همخانه شدیم و در حالی که یک نفر از اعضای اذختم که فقط روزی ۳۰۰ هزار تومان هروئین می‌کشیدیم. خلاصه سرقت منازل را از سال ۱۳۹۷ و از منطقه قاسم آباد شروع کردیم و تا منطقه الهیه، هدایت و بولوار پیروزی ادامه دادیم. با شاه کلید در منازل ویلایی با آپارتمانی را در حالی می‌گشودیم که یک نفر از اعضای باند نگهبانی می‌داد و به محض این که صاحب‌خانه به همراه خانواده اش منزل را ترک می‌کرد، ما وارد عمل می‌شدیم. برای آن که مورد توجه پلیس یا شهروندان قرار نگیریم، من شلوار پلنگی می‌پوشیدم و محاسنم را طوری آرایش می‌کردم که جوانی موجه به نظر برسم، سپس سوار بر موتورسیکلت بدون کلاچ به محل شناسایی شده می‌رفتم و لوازم با ارزش و قابل حمل را می‌ربودیم. حداقل هریک روز در میان خانه‌ای را سرقت می‌کردیم تا این که اوایل اردیبهشت ماموران گشت کلانتری به ما مشکوک شدند. من هم به دروغ گفتم که ساکن همین محله هستم اما زمانی که مامور گشت همراهم آمد تا محل سکونتم را به او نشان بدهم، در یک فرصت مناسب از چنگ او گریختم اما آن مامور ورزیده زمانی مرا دستگیر کرد که دیگر با هایم توان حرکت نداشت و نفسم بند آمده بود. آن‌ها وقتی متوجه شدند که موتورسیکلت من نیز سرقتی است، مرا تحویل پلیس آگاهی دادند اما ناگهان یکی از بستگانم را در بازداشتگاه پلیس عملیات ویژه دیدم که با من در سرقت‌ها همکاری می‌کرد. آن جابود که فهمیدم باید به همه سرقت‌هایم اعتراف کنم و ..

شایان ذکر است، با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) تحقیقات از اعضای این باند حرفه‌ای همچنان ادامه دارد.

ماچرای واقعی با همکاری پلیس آگاهی خراسان رضوی

مناقصه عمومی به شماره فراخوان ۰۱۵۱۲۰۰۰۰۰۱ (نوبت اول)

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد رزوه زنی لوله های فولادی خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضین می‌توانند با مراجعه به سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir جهت رویت و ارائه پیشنهاد و تودیع سپرده شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

کمیسون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین

۰۱۲۰۰۰۱۹۹۹۵

کوتاه از حوادث

***باشگاه خبرنگاران جوان/** سرهنگ نادر

مرادی معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت تهران بزرگ از دستگیری فردی خبر داد که با معرفی خود به عنوان مامور از واحدهای

صنفی اخاذی می‌کرد.

***میزان/**سرهنگ علی همه‌خانی معاون آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران از کشف خودروی سرقتی دنا به همراه دستگیری سارق آن هنگام گشت زنی عوامل منطقه ۲۵ پلیس راهور قاتب در مسیر بزرگراه زین الدین-سراج خبر داد.

***باشگاه خبرنگاران جوان/**سرदार اشتیری فرمانده ناجا با بیان این که سال گذشته کشفیات مواد مخدر هزار و ۱۰۰ تن بوده است و بیش از ۹۰ درصد از این کشفیات را ناجا انجام داده، افزود: میزان کشفیات در سه ماه نخست امسال نیز حدود ۳۰۰ تن بوده است.

***توکلی /** فریدون علیپور، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی بمی گفت: در حادثه تصادف تریلی و پژو پارس در ساعت ۲۶ و ۲۲ دقیقه دوشنبه در محور فهرج- زاهدان متأسفانه یک نفر جان باخت و چهار نفر زخمی شدند. یک نفر از مصدومان در محل درمان شد و سه مصدوم دیگر این حادثه با کمک دو دستگاه آمبولانس اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان منتقل شدند.

حادثه در قاب



***ایسنا/** شمار قربانیان حادثه ریزش ساختمان در ایالت فلوریدای آمریکا به ۹ تن افزایش یافت و همچنان از سرنوشت ۱۵۰ نفر دیگری که در لحظه وقوع حادثه در ساختمان بوده‌اند، خبری در دست نیست. این حادثه پنج شبه گذشته در یک ساختمان مسکونی ۱۲ طبقه در شهر سرفسباد در ایالت فلوریدا اتفاق افتاده است و دیروز نیروهای امدادی برای چهارمین روز متوالی در میان آوار در تلاش برای نجات دادن مفقودشدگان این حادثه بودند. هنوز این آمبدواری وجود دارد که تیم‌های امدادی بتوانند دیگر ساکنان این ساختمان را زنده از زیر آوار خارج کنند.

۰۱۲۰۰۰۱۹۹۹۵